

ارسال: ۱۴۰۰/۵/۱۷

پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۰

10.22034/nf.2024.298844.1079

نگاهی به نیم فاصله از دریچه دستور زبان و نگارش

بهرام شعبانی* (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران)

چکیده: نیم فاصله نوعی نویسه یا فاصله تاییبی نسبتاً تازه است که متخصصان رایانه و طراحان نرم افزارهای پردازش متن به آن پرداخته‌اند. در منابع نگارشی فارسی از نیم فاصله کمتر یاد شده و مصادیق آن با گزاره‌های «جدا»، «جدانویسی» و «عدم فاصله» تبیین گردیده که یا تفاوت آن را با فاصله روشن نمی‌کند یا با عنوان رایج این اصطلاح همخوانی ندارد. داشتن شیوه‌نامه‌ای یکسان و درست برای چگونگی نوشتن نیم فاصله و رعایت آن نیز بی‌نظمی در جنبه‌ای از نگارش فارسی را سامان می‌دهد و نیازی مهم را در بخشی از نوشتار فارسی امروز برآورده می‌سازد. در این پژوهش، با استفاده از منابع معتبر نگارشی و دستوری فارسی و با استناد به شاخص‌هایی همچون گفتار سخنگویان زبان، یکپارچگی آوایی و معنایی، عناصر نوایی، کاربرد مستقل و کارکرد نحوی کلمات، نیم فاصله و چگونگی کاربرد آن، با آوردن نمونه‌های فراوان، در انواع هفت‌گانه کلمات فارسی، به روش توصیفی-تحلیلی بررسی و تحلیل شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نیم فاصله در انواع کلمات فارسی کاربرد دارد، اما کاربردش در دو نوع صفت و اسم بسیار، در نوع حرف زیاد و در انواع فعل، قید، ضمیر و صوت کم بوده است. کمک به تدوین شیوه‌نامه‌ای یکسان و درست برای چگونگی نوشتن نیم فاصله در متون تاییبی فارسی نیز از اهداف این پژوهش است.

کلیدواژه‌ها: دستور زبان، زبان فارسی، نگارش، نیم فاصله

مقدمه

در نوشتار فارسی، هم بسیاری از حروف و تکواژها و هم واژه‌ها جدا از هم نوشته می‌شوند، اما

* bahram.shaabani@gmail.com

جدایی میان حروف و بسیاری از نکواژها با فاصله میان واژه‌ها یکسان نیست. در ویراست جدید دستور خط فارسی (۱۴۰۱)، مصوّب فرهنگستان، مبحثی که در چاپ‌های قبل این کتابچه فاصله را به دو نوع فاصله «برون‌کلمه» و «درون‌کلمه» دسته‌بندی و رعایت فاصله درون‌کلمه (نیم‌فاصله) را به دلیل دشواری رعایت آن در دست‌نوشته‌ها اختیاری پیشنهاد می‌کرد (نک. فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱، ص ۱۰)، اصلاح و برای جداسازی کلمات سه نوع فاصله، شامل فاصله کامل، نیم‌فاصله و بی‌فاصله، تعیین و تعریف شده است (نک. فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲، ص ۲۳).

در کتاب فرهنگ املائی خط فارسی بر اساس دستور خط فارسی نیز، در کنار فاصله و عدم فاصله، از نیم‌فاصله یاد شده که در حقیقت همان فاصله است و نیم‌فاصله موضوع این تحقیق در آن کتاب عدم فاصله نامیده شده (نک. صادقی و زندی‌مقدم، ص ۱۳). مؤلف کتاب درست‌نویسی خط فارسی نیز نیم‌فاصله را بی‌فاصله نامیده و دستورهایی برای آن برشمرده است (نک. کابلی، ص ۲۰-۲۳). در این کتاب، مثال‌هایی که در تبیین بی‌فاصله آمده به دور از زیان‌نویسی است و در متون فارسی و نزد کاربران زبان کاربردی ندارد. داوری درباره تکیه، عملکرد دستوری و شیوه تایپ مثال‌ها نیز گاه قابل بحث و بررسی است (نک. همان، ص ۲۴-۲۸). همچنین، تجویز نوشتن همه پیشوندها و پسوندهای کلمات مشتق به صورت بی‌فاصله در این اثر به تأمل بیشتر نیاز دارد و بسیاری از موارد ترکیب که در فهرست‌ها آمده در زبان فارسی کم یافت می‌شود. عدم فاصله و بی‌فاصله نامیدن نیم‌فاصله در دو کتاب اخیر نیز با نام شناخته‌شده، کاربرد عمومی و برخی تعاریف آن، به‌ویژه در رایانه و ماشین‌نویسی، ناهمخوان است. در منابع نگارشی دیگر نیز مطالبی در چگونگی فصل و وصل کلمات فارسی آمده که فصل فقط فاصله تلقی شده است (نک. احمدی گیوی، ص ۷۸-۸۲؛ احمدی گیوی و دیگران، ص ۱۵-۲۴؛ یاحقی، ص ۳۷-۶۸)، حال آنکه مصداق بسیاری از نمونه‌های آن نیم‌فاصله است. نیم‌فاصله موضوع دستورزبان نیست، اما در تبیین آن، به‌ویژه در بررسی نوع و ساختمان کلمات، باید به دستورزبان نیز رجوع و استناد شود.

متخصصان رایانه و طراحان پردازش متن‌های تایپی نیز به مبحث نیم‌فاصله پرداخته‌اند. کمیسیون فنی استاندارد کامپیوتر، با عنوان «فاصله مجازی»، آن را نمادی تعریف کرده است که برای تشخیص شکل نمایشی بر اساس مفهوم ذخیره‌سازی شده به کار می‌رود و نقش این نماد را ایجاد جدایی بین حروف مجاور، بی‌آنکه فاصله‌ای واقعی و قابل‌رؤیت بین آن‌ها ایجاد نماید، دانسته است (نک. کمیسیون فنی استاندارد کامپیوتر، ص ۳ و ۶ و ۸). در پروژه استاندارد خط فارسی در یونی‌کد نیز با همان عنوان تعریفی مشابه، اما ساده‌تر، از نیم‌فاصله آمده است: «نویسه‌ای که باعث قطع شدن ارتباط حروفی می‌شود که در دو طرفش قرار گرفته‌اند، ولی ایجاد فاصله نمی‌کند» (تابش و دیگران). فاصله

«درون‌کلمه» یا نیم‌فاصله در نوشتار رایانه‌ای نوعی فاصله با عرض صفر بین دو حرف یا نشانه نوشتاری فارسی است که از چسبیدن آن دو حرف، که نباید به هم بچسبند، جلوگیری می‌کند (نک. یوتایپ). به کمک این نویسه، حروف، وندها و تکواژهایی که در یک واژه به هم نمی‌چسبند درست نوشته می‌شوند و شمار دقیق واژه‌های متن نیز با نرم‌افزارهای واژه‌پرداز روشن می‌شود.

شناخت و رعایت نیم‌فاصله در نوشتن مطالب گوناگون مهم و ضروری است، اما نبود شناخت کافی و شیوه‌نامه جامع و یکسان ناهماهنگی‌ها و نادرستی‌های زیادی را در نوشتن و تایپ آن باعث شده است. همچنین، بسنده کردن متخصصان رایانه و طراحان پردازش متن به تعریف نیم‌فاصله و کلی‌گویی و کاستی در بیان موارد استفاده از آن در وبگاه‌ها و تأکید مراجعی چون راهنمای نگارش مجلات پژوهشی، استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و ویراستاران بر رعایت این نویسه در نگارش و تایپ نگارنده را بر آن داشت تا به بررسی نیم‌فاصله از نگاه نگارش و دستور زبان پردازد و با تکیه بر منابع معتبر دستوری و نگارشی و با هدف کمک به تنظیم شیوه‌نامه‌ای دقیق در چگونگی نوشتن آن، کاربرد این نویسه فنی را در انواع کلمات فارسی تبیین و تحلیل کند.

پیشینه پژوهش

نیم‌فاصله موضوعی میان‌رشته‌ای است که دست‌کم دو گروه متخصصان رایانه و ماشین‌نویسی و صاحب‌نظران نگارش و، در مواردی، دستور زبان فارسی باید به آن پردازند. همان‌طور که اشاره شد، برخی متخصصان رایانه به تعریف نیم‌فاصله بسنده کرده و برخی آشنایان با فنّ ماشین‌نویسی در مطالبی تکراری به توضیح موارد کاربرد آن پرداخته‌اند، که بر اثر نبود آشنایی کافی، بخش‌های در پیوند با نگارش و دستور زبان فارسی این مطالب درست تبیین نشده و کاستی‌های بسیاری دارد. در منابع راهنمای نگارش، در مبحث فصل و وصل کلمات، مصادیقی از کاربرد نیم‌فاصله آمده که اغلب با فاصله یکسان پنداشته شده است. در کتاب فرهنگ املائی خط فارسی بر اساس دستور خط فارسی، از نیم‌فاصله نیز یاد شده که منظور از آن همان جدانویسی است و نیم‌فاصله موضوع این تحقیق در آن کتاب عدم فاصله نامیده شده است (نک. صادقی وزندی‌مقدم، ص ۱۳). همچنین، در چاپ‌های قبل دستور خط فارسی مصوّب فرهنگستان، نیم‌فاصله نوعی فاصله تعریف (نک. فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱، ص ۱۰) و در تبیین نمونه‌های کاربرد آن همچنان از واژه‌های «جدا» و «جدانویسی» استفاده شده بود که در ویراست جدید (۱۴۰۱) اصلاح شده است. موضوع مقاله‌ای از حسن ستایش، در فصل‌نامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، به این تحقیق نزدیک است: «نیم‌فاصله و نقش آن در نگارش کلمات مرکب». نویسنده در این مقاله، با ذکر نمونه‌هایی اندک، به تبیین

نیم‌فاصله و کارکردهای آن و دلایل، اشکالات و فواید کاربرد آن پرداخته‌است. از نگاه نگارش و دستورزبان، تاکنون تحقیق جداگانه، خاص و کاملی در این موضوع، به‌ویژه با ذکر نمونه‌های فراوان مرتب از انواع کلمات، صورت نگرفته است.

روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای دستوری و نگارشی و با استناد به کاربردهای سخنگویان زبان به انجام رسیده و نگارنده کوشیده است تا در پژوهشی منظم و ساختاریافته، به بررسی و تحلیل چگونگی کاربرد نیم‌فاصله در همه نمونه‌های نیازمند بررسی از انواع هفت‌گانه کلمات فارسی بپردازد و برای هر نمونه مثال‌هایی محدود ذکر کند.

نیم‌فاصله در انواع کلمات فارسی

صاحب‌نظران دستورزبان فارسی، در بیان انواع کلمات، دیدگاه‌های گوناگونی داشته‌اند: پنج استاد کلمات زبان فارسی را به نه قسم اسم، صفت، کنایه، عدد، فعل، قید، حرف اضافه، حرف ربط و صوت دسته‌بندی کرده‌اند (نک. قریب و دیگران، ص ۲۳)؛ خیامپور کلمه را شامل شش قسم اسم (ضمیر)، فعل، صفت، قید، حرف و شبه‌جمله دانسته (نک. خیامپور، ص ۲۸-۳۰)؛ فرشیدورد، به تبع خیامپور و با نگاهی زبان‌شناسانه، کلمه و گروه‌های مربوط به آن را روی هم به شش قسم اسم و گروه اسمی، صفت و گروه وصفی، فعل و گروه فعلی، قید و گروه قیدی، صوت و گروه صوتی و حرف تقسیم کرده است (نک. فرشیدورد، ص ۱۸۱)؛ خانلری نیز هر کلمه را یک نوع از انواع هفت‌گانه اسم، صفت، ضمیر، قید، فعل، حرف و صوت برشمرده (نک. ناتل خانلری، ص ۲۱۵)؛ انوری، همایون‌فرخ و شریعت کتاب‌های دستورزبان فارسی خود را بر پایه همین انواع هفت‌گانه بنیان نهاده‌اند.

از دستورنویسان زبان‌شناس، که واحدهای زبانی را مبنای کار قرار داده و در واحد زبانی گروه برخی مقوله‌ها یا انواع کلمات را آورده‌اند، باطنی، با نام‌های گروه فعلی، گروه اسمی و گروه قیدی، همین سه مقوله را بررسی کرده (نک. باطنی، ص ۱۱۰-۱۷۱) و مشکوة‌الدینی، افزون بر آن، به ضمیر، گروه حرف اضافه‌ای و گروه صفتی پرداخته است. (نک. مشکوة‌الدینی، ص ۱۷۵-۲۰۵)

در زبان فارسی، برای تشخیص واژه از معیارهای آوایی، واژگانی، معنایی و کاربردی‌ای چون داشتن یک تکیه اصلی، رعایت هم‌نشینی مجاز آواها، دلالت بر یک معنا، ایفای یک نقش دستوری، کاربرد مستقل در جمله و یکپارچگی ساختار استفاده می‌شود (نک. شقاقی، ص ۲۵-۳۲).

میلانیان معیارهای مرزبندی واژه را در چهار قشر آوایی، صرفی، نحوی و قاموسی بررسی کرده است (نک. میلانیان، ص ۷۱) که این معیارها در واژه‌های مشتق یک‌جا دیده می‌شود، اما این معیارها در کلمات مرکب به گونه‌ای است که

— اجزا به صورت انتخابی واحد از سوی گوینده به جای واژه‌های بسیط به کار می‌روند؛

— تنها یک هجایشان تکیه می‌گیرد؛

— میان اجزا مکث میسر نیست؛

— از نظر نحوی وابسته‌های قاموسی و دستوری میان اجزا فاصله نمی‌اندازد؛

— و اگر ترکیب ناشی از گروه اضافه باشد، کسره اضافه حذف خواهد شد. (نک. همان، ص ۸۷).
مشکوة‌الدینی نیز، با دشوار برشمردن تعیین مرزهای واژه و اشاره به برخی معیارهای مذکور، معتقد است:

هر واحدی بامعنایی که بتواند با انعطاف‌پذیری نسبی در جمله جابه‌جا شود و یا در پیش یا به دنبال آن عنصر دیگری بتواند ظاهر گردد و نیز هیچ عنصر دیگری نتواند در درون آن جای بگیرد واژه به حساب می‌آید. (مشکوة‌الدینی ۲، ص ۵۱)

«در فارسی می‌توان از ترکیب برای ساختن همه مقوله‌های واژگانی سود جست» (طباطبایی ۴، ص ۹) و طبقه‌بندی واژه‌های مرکب بر اساس سه معیار ساختار، مقوله و رابطه نحوی-معنایی واژه‌های سازنده آن صورت می‌گیرد (نک. همان، ص ۱۰). این واژه‌ها به لحاظ ساختار متشکل از دو واژه‌اند، چون فرایندهای واژه‌سازی به صورت پایگانی عمل می‌کنند؛ مثلاً واژه «خودروشوی»، هرچند از سه واژه تشکیل شده، ساختار آن درست مانند واژه «رخت‌شوی» است (نک. همان). همچنین، هر واژه مرکب، در مقام واحدی واژگانی، به مقوله‌ای دستوری تعلق دارد و میان دو واژه سازنده آن رابطه نحوی-معنایی مشخصی وجود دارد (نک. همان، ص ۱۰-۱۱). هرچند در نگارش کلمات، به‌ویژه کلمات مرکب، قاعده‌ای قطعی وجود ندارد، در این فن «بیشتر حسن خط و سهولت قرائت و کتابت در نظر گرفته می‌شود» (احمدی گیوی، ص ۷۸) و گاه به این دو اصل بیش از مفهوم توجه می‌شود؛ چنان‌که دو واژه «دانشجو» و «دانش‌پژوه»، که مفهوم و ساختمانی یکسان دارند، به ترتیب پیوسته و با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. (نک. همان)

نیم‌فاصله در فعل

در نوشتن نیم‌فاصله در فعل، چگونگی نوشتن پیشوندهای صرفی فعل، پیشوندهای فعل، فعل‌های کمکی و فعل مرکب تعیین‌کننده‌اند. از پیشوندهای صرفی فعل، «ب»، «م» و «ن» از گذشته تا کنون

پیوسته نوشته می‌شده‌اند، اما پیشوند صرفی «می» در رسم‌الخط سده‌های چهارم تا هشتم هجری جدا (نک. مایل هروی، ص ۳۰۴، ۳۱۰) و در رسم‌الخط سده‌های نهم تا سیزدهم هجری پیوسته نوشته می‌شده است (نک. همان، ص ۳۱۷). برخی دست‌نویسان نوشتن آن را به دو صورت پیوسته و با نیم‌فاصله درست دانسته‌اند (نک. فرشیدورد، ص ۶۲۹) و در برخی منابع نگارشی بر جدا نویسی آن (با نیم‌فاصله) تأکید شده است. (نک. یاحقی، ص ۳۷) این پیشوند امروزه - چنانکه در ویراست جدید دستور خط فارسی نیز آمده - (نک. فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲، ص ۲۳) با نیم‌فاصله نوشته می‌شود. در چگونگی نوشتن فعل‌های پیشوندی در منابع دستوری و نگارشی مطلبی نیامده است، اما باتوجه به کارکرد معنایی پیشوند در مصدر این فعل‌ها، داشتن یک تکیه و یک درنگ و ربودن تکیه فعل توسط این پیشوندها (نک. فرشیدورد، ص ۹۰)، نوشتن آن‌ها با نیم‌فاصله درست‌تر است؛ مانند «برآمد».

فعل‌های معین و شبه‌معین، چون کارکرد و معنای خاص دارند و با نیم‌فاصله نوشتن این فعل‌ها و فعل اصلی از زیبانویسی و آسان‌خوانی آن‌ها می‌کاهد، با فاصله نوشته می‌شوند؛ مانند «گفته است، گفته بود، گفته باشد، گفته بوده است، داشت می‌گفت، دارد می‌گوید، خواهد گفت، گفته شد و نتوان گفت». از این افعال، فعل‌های ماضی نقلی، که فعل کمکی‌شان کوتاه شده، برای زیبانویسی بهتر است با نیم‌فاصله نوشته شوند؛ مانند «گفته‌ام». همچنین، فعل ربطی «است»، پس از کلمات مختوم به «ه» بیان کسره، الف میانجی می‌گیرد و با نیم‌فاصله نوشته می‌شود؛ مانند «آماده‌ام». این فعل را پس از مصوت بلند «ی» و مصوت مرگب «ی» نیز می‌توان همین‌گونه تلفظ کرد و نوشت؛ مانند «ایرانی‌ام»، «دوست وی‌ام». (نک. یاحقی، ص ۱۹)

فعل مرگب، به دلایلی چون اشاره معنایی بیشتر پایه‌های آن به حالت یا عمل خاص، استقلال معنایی پایه و عنصر فعلی در عین تلفیق معنایی، گسترش‌پذیری برخی از آن‌ها (نک. مشکوة‌الدینی ۱، ص ۱۳۵-۱۳۶) و وجود تکیه و درنگ در هر دو جزء فعلیاری و همکرد، بهتر است با فاصله نوشته شود؛ مانند «فریب خورد». میلانیان فعل مرگب را در حقیقت ترکیبی نحوی، معادل گروه اسمی، دانسته و نمونه‌هایی مانند «کار کردن» را گروه دوواژه‌ای نامیده است (نک. میلانیان، ص ۷۹). طباطبایی نیز این افعال را با فاصله نوشته است (نک. طباطبایی ۴، ص ۳۰-۳۱). در برخی منابع دستوری، انواع دیگری از افعال مرگب، مانند «از حال رفت» و «لجش گرفت» (نک. فرشیدورد، ص ۴۱۴؛ مشکوة‌الدینی ۱، ص ۱۳۶) آمده است که آن‌ها را نیز مانند فعل مرگب می‌توان نوشت.

نیم‌فاصله در اسم

کاربرد نیم‌فاصله در اسم به ساختمان آن بستگی دارد و در کتاب‌های دستور زبان، دسته‌بندی‌های نسبتاً گوناگونی از اسم به لحاظ ساختمان آمده است. از آنجاکه دسته‌بندی ساختمان کلمات، به‌ویژه اسم، در کتاب دستور مفصل امروز کامل‌تر و با سرشت ترکیبی زبان فارسی سازگارتر است، در این پژوهش بیش از دیگر منابع مرجع مورد بررسی و داوری قرار گرفته و از کتاب ترکیب در زبان فارسی، نوشته علاء‌الدین طباطبایی، نیز در بررسی کلمات مرگب استفاده شده است.

اسم ساده یا بسیط یک جزء است و به تنهایی مصداق کاربرد نیم‌فاصله واقع نمی‌شود، مگر وقتی که با نشانه‌های جمع یا برخی پسوندها همراه شود. نشانه جمع «ها» در رسم الخط سده‌های چهارم تا هشتم با همه کلمات، حتی کلمات مختوم به «ه» بیان کسره، پیوسته نوشته می‌شده، مانند جامها (جامه‌ها) (نک. مایل هروی، ص ۳۰۴ و ۳۱۰). امروزه برخی منابع نگارشی ضمن توصیه به جدانویسی، هر دو صورت پیوسته و جدای (با نیم‌فاصله/بی‌فاصله) آن را — جز بعد از کلمات بیگانه نامأنوس (فرمالیست‌ها)، برجسته شده (ایرانی‌ها)، پردندانه (حساسیت‌ها)، اسامی خاص (فردوسی‌ها) و کلمات مختوم به «های» غیرملفوظ (میوه‌ها)، «های» ملفوظ بعد از حرف متصل (فقیه‌ها) و «یای» ساکن (نی‌ها) — صحیح دانسته (نک. فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲، ص ۴۰-۴۱) و برخی بر جدانویسی (با نیم‌فاصله) آن بعد از کلمات مختوم به «ه» متصل به کلمه تأکید و در بقیه موارد پیوسته‌نویسی آن را تجویز کرده‌اند؛ مانند فقیه‌ها و کتابها (نک. یاحقی، ص ۴۳). این نشانه بهتر است بعد از همه کلمات با نیم‌فاصله نوشته شود.

پسوند تصغیر «چه» نیز به کلمه پیش از خود می‌چسبد؛ مانند باغچه.

اسم‌های مشتق برخی با پیشوند و بیشتر با پسوند ساخته می‌شوند. از اسامی مشتق ساخته‌شده با پیشوند، «ابرایانه» با «ابر»، «امروز» با «ام» (نک. طباطبایی ۱، ۱۲۹-۱۳۲)، «بازپخش» با «باز»، «برچسب» با «بر»، «تراکش» با «ترا» و «شبه‌پیشوند» با «شبه» (نک. همو ۲، ص ۲۳۲-۲۴۲) را می‌توان نام برد که، جز اسم‌های متشکل از «ام»، بقیه با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. پیشوند «هم» اغلب صفت می‌سازد، اما در برخی نمونه‌های جانشین اسم آن معنای اسمی غلبه یافته، مانند «همسایه». بیشتر صفاتی که با «هم» ساخته می‌شوند با پسوند «ی» اسم می‌سازند؛ مانند «همکاری» (نک. همو ۳، ص ۲۲۰). برخی از این اسم‌ها نیز با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند، مانند «هم‌سخنی». فرشیدورد نیز پسوندهای سازنده اسم مشتق را پانزده گونه دانسته (نک. فرشیدورد، ص ۱۹۳-۱۹۶) که از این اسم‌ها فقط اسم‌های مشتق ساخته‌شده با پسوند مصدری و آداب‌ورسوم، مانند «بله‌بران»، با نیم‌فاصله و بقیه پیوسته نوشته می‌شوند.

در اسم مرکب، کاربرد نیم‌فاصله چالش‌برانگیز و به دقت بیشتر نیازمند است. فرشیدورد اسامی مرکب را نیز از جهاتی به اقسامی همچون فعلی و غیرفعلی تقسیم کرده است. از نگاه او، اسم‌های مرکب فعلی را می‌توان به دو دسته اسم‌های مرکب مصدری، مانند «ماشین‌رو، شاه‌نشین، دست‌گیره، حسن‌خیز، گردن‌بند و گم‌شدن»، و اسم‌های مرکب غیرمصدری، مانند «ماشین‌رو، شاه‌نشین، دست‌گیره، حسن‌خیز، گردن‌بند و شکم‌روش»، تقسیم کرد (نک. همان، ص ۱۹۶-۱۹۸). از این اسم‌ها، نمونه‌هایی مانند «آب‌نما، چشم‌داشت، خاک‌بردار، دست‌آورد، قلم‌تراش و ناخن‌گیر» نیز در برخی منابع نگارشی آمده‌اند (نک. یاحقی، ص ۵۱-۶۲). «شمار واژه‌های دارای این ساختار بسیار است و بسیاری از نواژه‌ها نیز با همین الگو ساخته می‌شوند» (طباطبایی ۴، ص ۴۸). از اسم‌های نوساخته با این ساختار «چهره‌پرداز و لرزه‌نگار» را می‌توان مثال زد. این ساختار بیشتر صفت‌ساز است، صفت‌هایی که بسیاری از آن‌ها از رهگذر تغییر مقوله به اسم تبدیل شده‌اند؛ مانند «آفتاب‌پرست، آهن‌فروش، پیاده‌رو، قفل‌ساز، گوشت‌کوب و لاشخور». گاه جزء اسمی این اسم‌ها خود از دو واژه تشکیل شده است؛ مانند «آب‌میوه‌گیر» (نک. همان، ص ۴۹-۵۳). این اسم‌ها، به دلیل یکپارچگی و داشتن یک تکیه، یک درنگ و یک نقش دستوری، به‌استثنای نمونه‌هایی که پیوسته‌اند، با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

فرشیدورد اسم‌های مرکب غیرفعلی را نیز به دو دسته کلی تقسیم کرده است: ۱. اسم‌های مرکب هم‌پایه ساخته‌شده با ضمه مخفف عطف (مانند زدوخورد، سروصدا، جست‌وجو، هست‌ونیست، بزنبوکوب، این‌وآن، چون‌وچرا، کش‌وقوس) و کلمات اسم‌شده هم‌پایه بدون ضمه عطف (مانند شیربرنج، آمدشد، کم‌دی‌درام و بگومگو) (نک. فرشیدورد، ص ۱۹۸ و ۲۰۶). از این دو گونه، نمونه‌هایی چون «آبرنگ و آب‌گوشت» نیز در دیگر منابع نگارشی آمده است (نک. یاحقی، ص: ۵۱) که اسم‌های مرکب با ضمه مخفف، اگر با تغییر در کشش هجایی (نک. حق‌شناس، ص ۱۶۲) با یک تکیه و یک درنگ تلفظ شوند، با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. طباطبایی این گونه اسم‌ها را مرکب متوازن نامیده و با نیم‌فاصله نوشته است (نک. طباطبایی ۴، ص ۱۵). میلانیان نیز میان‌وندهایی مانند «و» را در این صورت‌ها از معیارهای صوری و نشانه‌نمایندگی یک واژه دانسته است (نک. میلانیان، ص ۷۳). کلمات هم‌پایه بدون ضمه عطف با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. ۲. اسم‌های مرکب وابستگی مستقیم که یا از مضاف و مضاف‌الیه با کسره کوتاه‌شده ساخته شده‌اند (مانند ضبط‌صوت) یا از مضاف و مضاف‌الیه با حذف کسره اضافه (مانند سلسله‌مراتب). بخشی از اسم‌های مرکب وابستگی نیز یا از موصوف و صفت با کسره مخفف ساخته شده‌اند (مانند گل‌سرخ) یا از موصوف و صفت با حذف کسره (مانند سیب‌زمینی) یا از شبه‌صفت یا صفت پیشین و اسم، بدون تقدیر حرف اضافه (مانند سه‌پایه و آن‌جا) (نک. فرشیدورد، ص ۱۹۹). از این دسته نیز نمونه‌هایی چون «آستان‌قدس» در برخی منابع نگارشی آمده است (نک.

یا حقی، ص ۵۱-۶۳). این واژه‌های مرکب به محور جانیشینی واژه‌های بسیط تعلق دارند و در یک نقطه از زنجیر گفتار به جای آن‌ها انتخاب می‌شوند، بنابراین انتخابشان معادل یک واحد است نه بیشتر (نک. میلانین، ص ۷۴)، که چون در بیشتر آن‌ها تغییر در کشش هجایی روی داده (نک. حق‌شناس، ص ۱۶۲) و فقط یک تکیه و یک درنگ می‌گیرند، همه با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

به باور فرشیدورد، برخی اسم‌های مرکب وابستگی مستقیم نیز از دو اسم، که بینشان حرف اضافه‌ای مقرر است، ساخته می‌شوند؛ مانند «تهران‌اصفهان» و برخی از مسند و فعل؛ مانند «شادباش» (نک. فرشیدورد، ص ۱۹۸-۲۰۰). از این اسم‌ها، گونه دوم با نیم‌فاصله نوشته می‌شود، اما گونه نخست در برخی منابع نگارشی کلمه دوجزئی مرکب، که با تیره به هم می‌پیوندند، معرفی شده‌اند؛ مانند «فرهنگ ایرانی-اسلامی» (نک. یا حقی، ص ۹۰). گاه بر اثر کاربرد زیاد، مکث میان واژه‌ای این کلمات مرکب، که با تیره نشان داده شده، حذف و با یک واحد واژگانی بسیط برابر می‌شوند؛ مانند «بزرگراه تهران‌قم». در این کاربرد خاص، آن‌ها را با نیم‌فاصله نیز می‌توان نوشت.

فرشیدورد بخشی از اسم‌های مرکب را مرکب غیرفعلی وابستگی درهم‌ریخته نامیده است که ممکن است از مضاف‌الیه و مضاف مقلوب با حذف کسره اضافه ساخته شوند (مانند ایران‌زمین) (نک. فرشیدورد، ص ۲۰۰). این گونه اسم‌ها در فارسی بسیارند و نمونه‌های دیگری چون «آیین‌نامه» نیز در برخی منابع نگارشی آمده (نک. یا حقی، ص ۵۱-۶۳). همچنین اسم‌های مرکب غیرفعلی وابستگی درهم‌ریخته ممکن است از صفت یا شبه‌صفت مقلوب پسین و اسم، بی تقدیر حرف اضافه، ساخته شده باشند (مانند نخست‌وزیر، بزرگراه و پیش‌خرید) (نک. فرشیدورد، ص ۲۰۰). فرشیدورد یادآور شده است که اخیراً با این ساختمان چند اصطلاح علمی و فنی مناسب ساخته شده، مثلاً «ژرف‌ساخت، نرم‌افزار، سرخ‌رگ و پیش‌نیاز» (نک. همان، ص ۲۰۱). این اسم‌های مرکب را نیز، جز آن‌ها که پیوسته نوشته می‌شوند، با نیم‌فاصله می‌نویسیم. طباطبایی ساختار اضافه مقلوب را، با ذکر نمونه‌هایی چون «روان‌آشفتگی، سنگ‌فرش، آهن‌آلات، وام‌واژه و دم‌نوش»، ذیل اسم‌های مرکب هسته‌پایان بررسی کرده و همه را با نیم‌فاصله نوشته است (نک. طباطبایی، ص ۱۲-۱۴). وی فرایند تشکیل اسم‌های مرکب ساخته‌شده با صفت و اسم را نسبتاً زایا برشمرده و افزون بر نمونه‌های رایج، اسم‌های مرکبی را که با صفت‌های «معین» و «صاحب» ساخته شده‌اند و می‌توان آن‌ها را هسته‌آغاز شمرد نیز آورده است؛ مانند «معین‌پزشک (پزشکیار)» و «صاحب‌خانه». (نک. همان، ص ۶۸-۶۹)

از نگاه فرشیدورد، برخی اسم‌های مرکب کلمه‌های مرکب مکرر تأکیدی و اتّصالی‌اند؛ یعنی بر تأکید و توالی دلالت می‌کنند و به شیوه‌های زیر ساخته می‌شوند: ۱. از دو اسم مکرر، خواه به واسطه حرف اضافه یا عناصر اتّصالی (مانند سرتاسر)، خواه بی‌واسطه (مانند های‌های)؛ ۲. از دو اسم

نامکّر، خواه با واسطه و خواه بی‌واسطه (مانند سرتاپا)، که بیشتر برای ساختن قید و صفت به کار می‌روند و نمونه‌های اسمی آن‌ها زیاد نیست (رک. فرشیدورد، ص ۲۰۱). بخشی از نام‌آوای فارسی (مانند قاه‌قاه) که عنصر اتّصالی‌شان حذف شده نیز در دسته اول قرار می‌گیرند. از این اسم‌های مرکّب، آن‌ها که عناصر اتّصالی ندارند با نیم‌فاصله و آن‌ها هم که حرف ربط «و» و «تا» دارند، اگر بدون درنگ میان‌واژه‌ای و با یک تکیه و یک درنگ تلفّظ شوند، با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

اسم‌های مرکّب عربی رایج در فارسی نیز یا مانند «عکس‌العمل» از مضاف و مضاف‌الیه ساخته می‌شوند یا مانند «مایحتاج و ماوراء‌التهر» از موصول و صلّه آن (نک. همان، ص ۲۰۲). طباطبایی نمونه‌های زیادی از اسم‌های مرکّب عربی تبار با ترکیب «اسم + ال + اسم» و واژه‌هایی همچون «رستم‌التواریخ» را، که فارسی‌زبانان با این الگو ساخته‌اند، با نیم‌فاصله آورده است (نک. طباطبایی، ص ۲۸-۲۹). برخی از این اسم‌ها از ترکیب اسم و صفت ساخته شده‌اند، مانند «بیت‌المقدس» (نک. همان، ص ۴۸). این اسم‌ها همه با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

برخی اسم‌ها یا کنیه‌های خاص عربی رایج در فارسی، که با کلماتی چون «عبد» و «اب» ساخته شده‌اند (مانند عبدالله و ابوالقاسم)، و اسم‌های مرکّب از دو اسم عربی (مانند حسن‌علی) و اسم‌هایی که از اضافه بنوّت ساخته شده‌اند (مانند مسعودسعد)، چون یک اسم مرکّب با یک تکیه و یک درنگ هستند، با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

ترکیبات عربی رایج در فارسی (چون علی‌رغم و مع‌ذلک) و اصطلاحات عربی رایج در فارسی (مانند مضاف‌الیه، مقسوم‌علیه، مفعول‌به) و برخی ترکیبات عربی (مانند ان‌شاء‌الله و معظّم‌له) نیز، چون یک درنگ و یک تکیه دارند، با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

در چند قرن اخیر، بسیاری از پیشوندها و کلمات پیشوندی زبان‌های غربی نیز با عناصری ترجمه شده‌اند که فرشیدورد آن‌ها را شبه‌پیشوند نامیده است. از این اسم‌های مرکّب ترجمه‌ای، آن‌ها که مانند عدم صلاحیت^۱ با شبه‌پیشوند نوظهور «عدم» ترجمه شده‌اند (نک. فرشیدورد، ص ۲۰۳) و هنوز کسره اضافه‌شان کوتاه نشده است بهتر است با فاصله نوشته شوند. برخی پیشوندهای نفی از قدیم در فارسی کاربرد داشته‌اند، مانند «بی» و «نا» در «بی‌انضباطی» و «نارسایی»، که اسم‌های ترجمه‌شده با آنها با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

شبه‌پیشوند «تجدید» نیز، که ترجمه «re» فرانسوی و انگلیسی است، در ترکیبات ترجمه‌ای، مانند «تجدیدنظر و تجدید اشتراک»، به کار رفته است (نک. همان، ص ۲۰۴) که از این ترکیب‌ها، آن‌ها که

کسره‌شان به دلیل کاربرد زیاد تخفیف یافته با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. این پیشوند گاه به «عکس»، «وا» یا «واپس» ترجمه شده است؛ مانند «عکس‌العمل» یا «واکنش (reaction)» و «واپس‌زدگی (repression)» که بهتر است با «باز» یا «وا» ترجمه شوند؛ مانند «بازنگری» به جای «تجدیدنظر» و «واکنش» به جای «عکس‌العمل»؛ گاه نیز به «اعاده» ترجمه شده، مانند «اعاده‌حیثیت» (نک. همان، ص ۲۰۴)، که اگر کسره‌اش بر اثر کاربرد زیاد حذف شود، با نیم‌فاصله نوشته می‌شود.

پیشوندهای «پیش»، «نیم»، «نیمه» و «سوء» نیز در اسم‌های مرکب ترجمه‌ای به کار رفته‌اند که نمونه‌هایی مانند «پیش‌خرید (prechat)» و «نیم‌دایره» (نک. همان، ص ۲۰۴-۲۰۵) با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. ترکیبات ساخته‌شده با «سوء» (مانند سوء‌استفاده) نیز، اگر کسره اضافه‌شان بر اثر کاربرد زیاد اهل زبان تخفیف یافته باشد، با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. طباطبایی «نیم» و «نیمه» را عددواره نامیده و نمونه‌هایی از اسم‌های مرکب ساخته‌شده با آن‌ها (مانند نیم‌نگاه و نیمه‌شب) را با نیم‌فاصله آورده است. (نک. طباطبایی ۴، ص ۱۰۰-۱۰۴)

نیم‌فاصله در صفت

صفت‌ها را روی هم رفته می‌توان به پسین و پیشین دسته‌بندی کرد. صفات پسین یا بیانی به لحاظ ساختمان یا ساده‌اند یا مشتق یا مرکب. صفت بیانی ساده از یک جزء تشکیل شده و چگونگی استفاده از نیم‌فاصله در آن مصداق نمی‌یابد، مگر وقتی که برای سنجش موصوف با چیزی دیگر، با وندهای صرفی «تر» و «ترین»، از مطلق به تفضیلی و عالی تبدیل شود. پسوندهای «تر» و «ترین» در رسم‌الخط سده‌های چهارم تا هشتم، جز در برخی موارد، جدا (نک. مایل هروی، ص ۳۰۴، ۳۱۰) و در رسم‌الخط سده‌های نهم تا سیزدهم پیوسته نوشته می‌شده‌اند (نک. همان، ص ۳۱۷). این دو پسوند امروزه، جز در نمونه‌های «بهتر، مهتر و کهتر»، با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

صفت بیانی مشتق با پسوند و پیشوند ساخته می‌شود. مهم‌ترین پسوندهای صفت‌ساز، که همه صفات ساخته‌شده با آن‌ها پیوسته نوشته نمی‌شود و می‌توانند مصداق کاربرد نیم‌فاصله نیز قرار گیرند، عبارت‌اند از پسوندهای همانندی و رنگ (مانند وار، فام، گونه، وش، آسا، سار و سان، در نمونه‌های سلیمان‌وار، صبح‌فام، غزل‌گونه، خورشیدوش، برق‌آسا، دیوسار و مرغسان)؛ پسوندهای فاعلی (مانند گار، کار، گر، نده و چی، در نمونه‌های آموزگار، ستمکار، آهنگر، گوینده، و قهوه‌چی)؛ پسوند سازندگی (مانند گرد در سوسنگرد) (نک. فرشیدورد، ص ۲۷۸-۲۸۰). این دسته از صفات بیانی مشتق—جز آن‌ها که پیوسته نوشته می‌شوند—با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

پیشوندهای صفت‌ساز، به‌ویژه آن‌ها که با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند، در فارسی اندک‌اند.

پیشوندهای فارسی «با، بر، نا» و پیشوندهای عربی «بلا و لا» با کلمه همراه خود صفات مشتقی می‌سازند که یک تکیه و یک درنگ دارند و با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند (مانند باهوش، برخط، ناپاک، بلااستفاده، لامذهب). پیشوند «بی» نیز با اسم، بن فعل، ضمیر مشترک و برخی ترکیبات وصفی، اضافی و عطفی صفت مشتق می‌سازد (مانند بی‌ادب، بی‌خویش، بی‌همه‌چیز، بی‌دردسر و بی‌دست‌وپا). این پیشوند گاه پیوسته، اما اغلب با نیم‌فاصله نوشته می‌شود. اسم عربی «ذی» نیز در فارسی «کاربرد مستقل ندارد و همواره در نقش پیشوند، به معنای 'دارای' و 'صاحب' به اسم افزوده می‌شود و عموماً صفت می‌سازد» (طباطبایی ۲، ص ۲۴۱)؛ مانند «ذی‌حساب» که بهتر است با نیم‌فاصله نوشته شود. پیشوند «هم» در صفاتی مانند «هم‌مرز و هم‌اتاق»، که بعد از «هم» «م» و «الف نامحذوف» دارند، یا صفاتی مانند «هم‌راستا» و «هم‌صنف» (نک. فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱، ص ۲۳؛ طباطبایی ۳، ص ۲۱۹؛ یاحقی، ص ۳۹-۴۰)، که پیوسته‌نویسی خواندنشان را دشوار می‌کند - به استثنای کلماتی (مانند هماره، همچنین، همین و...) (نک. فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲، ص ۴۰) - با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. در برخی منابع، «هم» در نمونه‌های بسیاری (مانند همسنگ، همداستان، همنشین، هم‌زبان، هم‌نوع، هم‌فکر، هم‌وزن، هم‌رمز، هم‌جنس، هم‌جوار، هم‌خانه، هم‌خون، هم‌فکر، هم‌قدم، هم‌کیش و همنام) پیوسته آمده است (نک. یاحقی، ص ۳۹، ۴۰، ۶۸) که بهتر است آن‌ها که خواندنشان سخت و نوشتنشان نازیبا می‌شود (مانند هم‌داستان، هم‌زبان، هم‌نوع، هم‌کیش و...) با نیم‌فاصله نوشته شوند.

کاربرد نیم‌فاصله در صفت بیانی مرکب نیز، همچون کاربرد آن در اسم مرکب، پرچالش و نیازمند دقت است. از نگاه فرشیدورد، صفات بیانی مرکب دسته‌های گوناگونی دارند که به اشکال زیر ساخته می‌شوند:

۱. از عطف دو صفت بیانی همراه با «و» عطف، مانند «سرخ‌وسفید»، یا بدون «و» عطف، مانند «جسته‌گریخته» (نک. فرشیدورد، ص ۲۸۳). از این صفات، آن‌ها که «و» عطف دارند، در صورت داشتن یک تکیه و یک درنگ، مانند صفاتی که بدون «و» عطف هستند، با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.
۲. صفات بیانی مرکب غیرفعلی اسنادی دواسمی که یا رابطه تشبیهی دارند، مانند «خورشیدرخ»، یا بدون رابطه تشبیهی هستند، مانند «جنت‌مکان». این صفات گاه با یک اسم و یک صفت پیشین یا پسین ساخته می‌شوند، مانند «یکسان» و «شوریده‌سر» (نک. همان، ص ۲۸۴)، که برخی پیوسته و اغلب با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.
۳. صفات مرکب بیانی غیرفعلی وابستگی غیراسنادی که یا از حرف اضافه و اسم ساخته می‌شوند (مانند به‌موقع) یا با گروه حرف اضافه و اسم ساخته می‌شوند (مانند درحال‌رشد) یا از صفت، شبه‌صفت و شبه‌پیشوند با وابسته‌های آن، بدون حذف حرف اضافه، ساخته می‌شوند (مانند

خلاف قانون، باب‌روز، پیش‌پافتاده، قابل‌احترام، مورد‌نظر، ضدضربه، فاقد‌صلاحیت و جالب‌توجه) یا از صفت، شبه‌صفت و وابسته‌های آن با حذف حرف اضافه ساخته می‌شوند (مانند صاحب‌خانه و پرآب (پر در این صفت‌ها هم به معانی لبریز است، هم به معنای بسیار)) یا از باقی‌مانده اجزای گروه وصفی فرضی که هسته آن حذف شده است ساخته می‌شوند (مانند پابرجا، پادروها، حلقه‌به‌گوش و دست‌اندرکار) (نک. همان، ص ۲۸۴-۲۸۸). این صفات عموماً یک واحد واژگانی هستند و همه را با نیم‌فاصله می‌توان نوشت.

۴. صفات‌های بیانی مرکب که بر تأکید و توالی دلالت دارند. این صفات یا با واسطه حرف اضافه و عناصر اتصالی دیگر ساخته می‌شوند (مانند خم‌اندرخم، دم‌به‌دم و رنگارنگ) یا از دو صفت مکرر (مانند پاره‌پاره، پیچ‌پیچ، جداجدا، دسته‌دسته و قطعه‌قطعه) (نک. همان، ص ۲۸۸-۲۸۹). این دسته از صفات را، جز نمونه‌هایی که پیوسته نوشته می‌شوند، با نیم‌فاصله می‌نویسیم. طباطبایی ساختار نخست را بسیار زایا خوانده و نمونه‌هایی مانند «قلم‌به‌دست، جان‌برکف، سربه‌راه و سربه‌نیست» را با نیم‌فاصله آورده است (نک. طباطبایی ۴، ص ۸۲). وی کاربرد برخی واژه‌ها را که از تکرار اسم ساخته شده‌اند و بر جزئی از یک کل اشاره دارند نیز معمولاً صفتی دانسته و نمونه‌های بسیاری همچون «راه‌راه و گران‌گران» را با نیم‌فاصله آورده است. (نک. همان، ص ۲۵ و ۷۲)

۵. صفات‌های بیانی مشتق مرکب غیرفعلی که یا از صفت و شبه‌صفت پیشین، موصوف و «و» ساخته می‌شوند (مانند سه‌خوابه، نیمه‌کاره، همه‌جانبه) یا از صفت و شبه‌صفت پیشین، موصوف و «ی» نسبی ساخته می‌شوند (مانند سه‌بعدی و نیم‌شبی) (نک. فرشیدورد، ص ۲۹۰-۲۹۱). این صفات‌ها نیز با یک تکیه و یک درنگ تلفظ و با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. طباطبایی کلمات «چند، تک، نیم و نیمه» را در این صفات مرکب عددواره نامیده و صفات‌های بسیاری مانند «چندطبقه، تک‌پایه، نیم‌بها و نیمه‌روشن» را با نیم‌فاصله آورده است. (نک. طباطبایی ۴، ص ۱۰۰-۱۰۴)

۶. صفات‌های بیانی مرکب فعلی که از ریشه مضارع و ماضی ساخته می‌شوند (مانند دلکش، گرماسنج، سخت‌کوش، خواب‌آلوده، دست‌پرورد، گم‌گشته، عزیزکرده، تازه‌سیده و خسته‌کننده) (نک. فرشیدورد، ص ۲۹۱-۲۹۲). این ساختار بسیاری از صفات فاعلی و مفعولی را می‌سازد که، جز آن‌ها که پیوسته می‌آیند، بقیه با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

۷. صفات بیانی مرکب عربی رایج در فارسی که یا از مضاف و مضاف‌الیه ساخته شده‌اند (مانند خلق‌الساعة و فوق‌العاده) یا از موصول و صلة با فعل محذوف ساخته شده‌اند (مانند مافوق) یا از صفات عربی و معمول آن‌ها ساخته شده‌اند (مانند سابق‌الذکر) یا از «ب» و «لا» نفی جنس ساخته شده‌اند (مانند بلا تکلیف) یا از حرف جر و اسم آن ساخته شده‌اند (مانند علی‌السویه) یا از «لا» و اسم ساخته می‌شوند (مانند لامذهب) یا جمله‌های عربی هستند (مانند جلّ جلاله) (نک. همان، ص ۲۹۳-۲۹۴). این

صفات نیز، به استثنای جمله‌های عربی، همه با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. طباطبایی ساختار صفت و معمول آن را نسبتاً زیاد و اغلب از مقوله صفت دارندگی و تعداد واژه‌های دارای اجزای فارسی این ساختار را کم دانسته و نمونه‌های دیگری چون «سلیم التفس» و «دائم السفر» را با نیم‌فاصله آورده است. (نک. طباطبایی ۴، ص ۷۴-۷۵)

۸. صفات مرکب شبه‌ضمیمه‌ای که تحت تأثیر ترجمه در فارسی رایج و بیشتر با شبه‌پیشوندها یا شبه‌ضمیمه‌های زیر ساخته شده‌اند:

- «فاقد، خلاف، ضد، غیر و...» برای ترجمه صفاتی که پیشوندهای نفی داشته‌اند (مانند فاقدصلاحیت، خلاف‌شرع، ضدآب، غیراخلاقی)؛
 - «قابل» برای ترجمه صفاتی که پسوندهای مثبت داشته‌اند (مانند قابل‌قبول)؛
 - «با» برای ترجمه صفاتی که مفهوم دارندگی داشته‌اند (مانند باتجربه)؛
 - «اهل، باب، درخور، شایان، مورد و...» که تقریباً برای بیان مفهوم دارندگی به کار می‌روند (مانند اهل‌ادب، باب‌روز، درخورستایش، شایان‌توجه و موردنظر) (نک. فرشیدورد، ص ۲۹۵-۳۰۲).
- این صفات گاه کسره اضافه‌شان حذف یا کوتاه نمی‌شود، اما یک واحد واژگانی هستند و برای رعایت یکسانی، همه را با نیم‌فاصله می‌توان نوشت.

صفات پیشین نیز شامل انواع عددی، مبهم، پرسشی، تعجبی و اشاره هستند.

۱. صفت عددی شامل سه نوع اصلی، کسری و ترتیبی است. صفات عددی اصلی یا بسیط‌اند (مانند صد) یا مرکب (مانند هفتصد) یا گروه عددی (مانند بیست و یک) یا مضاعف (مانند سه هزار) (نک. همان، ص ۳۱۵-۳۱۶). از این صفات، صفات عددی بسیط و مرکب پیوسته، گروه عددی با فاصله و صفات عددی مضاعف، اگر عدد مرکب نشده باشند، با فاصله نوشته می‌شوند. صفات عددی کسری نیز، جز بسیط‌ها (مانند نصف)، یا مرکب‌اند (مانند پنج‌یک) یا از یک عدد اصلی و یک عدد ترتیبی درست شده‌اند (مانند یک‌دوم) یا از عدد اصلی و «در» و عدد اصلی دیگر ساخته شده‌اند (مانند پنجاه‌درصد) (نک. همان، ص ۳۲۰-۳۲۱). این صفات نیز، جز بسیط‌ها، با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. صفات عددی اصلی، اگر با ممیز همراه شوند، با فاصله نوشته می‌شوند (مانند یک کیلوانان). صفات عددی ترتیبی نیز شامل بسیط (مانند نخست)، مشتق (مانند نخستین) و مشتق مرکب (مانند صد و بیست و چهارم) می‌شوند (نک. همان، ص ۳۲۲-۳۲۳). از این صفات نیز بهتر است مشتق مرکب‌های طولانی با فاصله و بقیه پیوسته یا با نیم‌فاصله نوشته شوند.

۲. از صفات مبهم نیز بسیط‌ها و مشتق‌ها (مانند همه و بعضی) پیوسته و برخی مرکب‌ها (مانند هرقدر و این‌همه) با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

۳. صفات پرسشی نیز یا بسیط هستند (مانند کدام) یا مشتق‌اند (مانند کدامین) یا مرکب‌اند (مانند چگونه) (نک. همان، ص ۳۲۸-۳۲۹) که همه پیوسته نوشته می‌شوند.
۴. برخی صفات پرسشی کاربرد تعجبی دارند که با فاصله نوشته می‌شوند (مانند: چه باغی!).
۵. صفت اشاره از کلمات «این» و «آن» و ترکیب‌های آنها ساخته می‌شود (مانند همین، چنان، آنچنان و این‌گونه) (نک. همان، ص ۳۳۰-۳۳۱). کلمات اشاره «این» و «آن» در سده‌های چهارم و پنجم جدا، در سده‌های ششم، هفتم و هشتم بیشتر جدا و گاه پیوسته و در سده‌های نهم تا سیزدهم چسبیده به کلمه بعد از خود نوشته می‌شده‌اند (نک. مایل هروی، ص ۳۰۴، ۳۱۰، ۳۱۷). امروزه نیز این صفات اشاره اغلب چسبیده به کلمات بعد از خود نوشته می‌شوند. برخی از این صفات (مانند این‌چنین و این‌گونه) بهتر است با نیم‌فاصله نوشته شوند.

نیم‌فاصله در قید

بیشتر دستورنویسان قید را به لحاظ مقوله دستوری به دو نوع مختص و مشترک دسته‌بندی کرده‌اند که این دسته‌بندی قابل تأمل است. قید نیز، مانند صفت، هم یکی از انواع هفت‌گانه کلمات و هم یکی از نقش‌های سیزده‌گانه کلمات فارسی است، اما «در تقسیم‌بندی آن به لحاظ مقوله دستوری، تسامحی پیش آمده و آن طرح قید مشترک در مقابل قید مختص است» (شعبانی، ص ۲۳۹). توضیح اینکه قیدهای مشترک نوعشان قید نیست و فقط در نقش قید به کار می‌روند، پس نباید نوع دومی برایشان قائل شد و آن‌ها را قید (مشترک) نامید، نکته ظریفی که ختیاپور نیز به آن اشاره کرده است:

قید مختص عده معدودی بیش نیست و مقابل آن «قید مشترک» است؛ یعنی کلمه‌ای که در اصل قید نیست، بلکه صفت یا اسمی است که گاه در جمله حالت قیدی پیدا می‌کند. (ختیاپور، ص ۸۹)

و فرشیدورد هم به آن توجه داشته است:

بسیاری از قیود با کلمات دیگر مشترک است، به این معنی که اسم، صفت، حرف ربط، فعل، صوت، ضمیر هم در بسیاری از موارد می‌توانند نقش قید بازی کنند. (فرشیدورد، ص ۴۶۵)

فرشیدورد قید مختص را شامل قیدهای ویژه بسیط (مانند هرگز)، قیدهای تنوین‌دار عربی در فارسی (مانند شمالاً)، قیدهای ساخته‌شده با پیشوند «نا» (مانند ناگهان)، قیدهای ساخته‌شده از کلمات مکرر (مانند گاه‌گاه)، قیدهای ساخته‌شده از حرف اضافه و صفت یا قید (مانند بناچار)، قیدهای ساخته‌شده از اسم و کلمات دیگر با صفت فاعلی پایان‌یافته با «ان» (مانند زاری‌کنان)، قیدهای ساخته‌شده از جار و مجرور (مانند فی‌الحال)، قیدهای ساخته‌شده از «لا»ی نفی جنس و «ال» با اسم (مانند لابد و القصه) و قیدهای ساخته‌شده از مضاف و مضاف‌الیه عربی (مانند عندالمطالبه) دانسته

است (نک. فرشیدورد، ص ۴۶۳-۴۶۵). از اقسام قید مختص، که کاربرد نیم‌فاصله فقط باید در آن بررسی شود، قیدهای بسیط، تنوین دار، ساخته‌شده با «نا» و ساخته‌شده با حرف اضافه و صفت یا قید، پیوسته و نمونه‌هایی مانند «گاه‌گاه، زاری‌کنان و فی‌الحال» با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

نیم‌فاصله در ضمیر

برخی صاحب‌نظران ضمیر را از مقوله اسم (نک. ختّامپور، ص ۳۱-۳۲؛ فرشیدورد، ص ۲۴۴) و بسیاری آن را مقوله‌ای جدا برشمرده‌اند (نک. انوری و احمدی گیوی، ص ۸؛ قریب و دیگران، ص ۷۱؛ شریعت، ص ۲۳۳؛ نائل خانلری، ص ۵۹؛ مشکوة‌الدینی ۱، ص ۱۷۵؛ همایون‌فرخ، ص ۶۳۱). انواع اصلی ضمیر (شخصی و مشترک) بسیط هستند و کاربرد نیم‌فاصله در آن‌ها چندان مصداق ندارد، اما این کاربرد در ضمیری که برخی دستورپژوهان آن را احترامی نامیده‌اند (نک. فرشیدورد، ص ۲۴۹) قابل بررسی است؛ از این ضمیر، نمونه‌هایی مانند «این‌جانب» با نیم‌فاصله و نمونه‌های «جناب‌عالی و حضرت‌عالی»، که در برخی منابع نگارشی بر جدانویسی آنها تأکید شده (نک. یاحقی، ص ۵۳-۵۴)، چون کسره اضافه‌شان بر اثر کاربرد زیاد کوتاه یا حذف شده و یک تکیه و یک درنگ دارند، پیوسته یا با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

همچنین ضمیر متصل شخصی مفرد «م، ت، ش»، اگر به کلمات مختوم به «ه» بیان کسره اضافه شوند، برای آسانی در تلفظ، الف میانجی می‌گیرند که ضمیر متصل و الف میانجی با نیم‌فاصله پس از مضاف می‌آیند (مانند خانه‌ام). می‌توان این ضمیر را در اضافه شدن به کلماتی که مصوت بلند «ی» در آخر دارند نیز همین‌گونه نوشت (مانند ماهی‌ام). (نک. یاحقی، ص ۲۱)

۲.۶. نیم‌فاصله در صوت (شبه‌جمله)

صوت نیز از جنبه‌هایی مانند قید است؛ یعنی بعضی کلمات همیشه صوت‌اند و برخی صاحب‌نظران آن‌ها را صوت ویژه نامیده‌اند. از نظر فرشیدورد، صوت‌ها و گروه‌های صوتی ویژه این‌ها هستند:

ای، الا، خه، یا، ایا، فری، فریش، هلا، زهی، ای خوش، خهی، دردا، دریغا، شگفتا، عجبا، خرّما، ندامتا، الاای، ای‌وای، ای‌داد، ای‌عجب، ای‌دریغا، به‌به، زهازه، خه‌خه، مرحبا، اینت، پاللعجب، احسنت، حَبّذا، عفاک‌الله، عفاالله، لوحش‌الله، تبارک‌الله، بارک‌الله، سبحان‌الله، نعوذبالله، وامصیبتا، واخرّنا، واویلا، واغوثا، الامان، الحذر، الغیث، الصّلا، و بعضی دیگر. (فرشیدورد، ص ۵۱۹)

وی بهترین راه تشخیص صوت را بررسی تکیه آن می‌داند:

تکیه اصوات غالباً بر روی هجای نخست یا دوم یا ماقبل آخر است؛ یعنی تا حدی شبیه تکیه فعل است. بنابراین، هجای آخر این گونه کلمات، برخلاف اسم، صفت و قید، تکیه ندارد. (همان، ص ۵۲۲)

بررسی کاربرد نیم‌فاصله در صوت نیز باید به صوت‌های ویژه محدود شود و چون هر صوت یک واژه و نوع خاص دستوری‌ای است که یک تکیه و یک درنگ دارد، اگر بیش از یک جزء باشد و پیوسته نوشته نشود، با نیم‌فاصله نوشته می‌شود (مانند ای‌وای). نکته مهم اینکه «ای»، در صوت‌های ویژه، با کلمه همراه خود یک واژه با معنای خاص می‌سازد و مفاهیم تفخیم، تعظیم و فراوانی را می‌رساند که در این کاربرد، صوت ندا نیست (نک. همان، ص ۵۲۱). پس کلماتی مانند «ای‌داد» و «ای‌وای» یک واژه و صوت ویژه مرکب هستند، اما «ای» در ترکیباتی مانند «ای دوست» نشانه نداست. این ترکیبات از صوت ندا و اسم مناداشده تشکیل شده‌اند و با فاصله نوشته می‌شوند.

نیم‌فاصله در حرف

در تعریف حرف در کتاب‌های دستور زبان تفاوت‌هایی دیده می‌شود، اما بیشتر دستورنویسان بر نداشتن استقلال معنایی و معنا پیدا کردن حرف بر اثر همراهی با دیگر کلمات اتفاق نظر دارند (نک. انوری و احمدی گیوی، ص ۲۴۸؛ ختیاپور، ص ۱۰۳؛ فرشیدورد، ص ۴۴۷). در تبیین انواع حرف نیز دیدگاه‌های دستورنویسان متفاوت است، ولی گونه‌های اصلی آن، یعنی حروف اضافه، ربط و ندا، که نیم‌فاصله در آن‌ها بیشتر کاربرد دارد، در بیشتر کتاب‌های دستور زبان فارسی طرح و بررسی شده است.

چون میان حروف اضافه بسیط، مانند «از» و «به»، و کلمه بعد مکث می‌کنیم، این حروف با فاصله از کلمه بعد نوشته می‌شوند. حروف اضافه مرکب، مانند «به‌جز»، و گروه‌های حرف اضافه‌ای، مانند «به‌عنوان» و «در باره»، که از گذشته در زبان فارسی وجود داشته‌اند و برخی نیز به تازگی بر اثر ترجمه در فارسی رایج شده‌اند (نک. همان، ص ۴۴۹-۴۵۸)، به دلیل داشتن یک تکیه، یک درنگ، یک معنا و یک کارکرد دستوری، با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. برخی صاحب‌نظران کلمات اخیر را از حروف اضافه نشمرده و آنها را قید مرکب نامیده‌اند. (نک. ختیاپور، ص ۱۰۸-۱۰۹)

کاربرد نیم‌فاصله در حروف ربط بسیط، مانند «و»، «که» و «اگر» و کلماتی مانند «خصوصاً» و «مثلاً»، که حرف ربط مشتق‌اند، مصداق نمی‌یابد و کلماتی مانند «همین‌که» و «همچنین»، که حرف ربط مرکب‌اند، برخی پیوسته و برخی با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

گاه، با استفاده از حروف اضافه و اسم یا صفت و حرف ربط «که»، گروه‌های ربطی و حروف ربط مرکبی ساخته می‌شود که کاربرد نیم‌فاصله در آن‌ها نیازمند دقت است، مانند «به‌طوری‌که» و

«ازوقتی‌که». گاه نیز این حروف ربط، بر اثر کاربرد زیاد، بدون حرف اضافه یا بدون «ی» یا بدون «که» هستند، مانند «وقتی‌که»، «ازآنجاکه»، «وقتی» (نک. فرشیدورد، ص ۵۵۰-۵۵۱). حرف ربط «که» در رسم‌الخَط سده‌های چهارم و پنجم به صورت «کی» و «ک» نیز نوشته می‌شده و به کلمهٔ بعد از خود می‌چسبیده است، مانند «کدنبال» (نک. مایل هروی، ص ۳۰۳ و ۳۰۷)، اما از اواخر سدهٔ هشتم کم‌کم از کلمهٔ بعد از خود جدا شده و از سدهٔ یازدهم به بعد به کلمهٔ پیش از خود چسبیده است، مانند «کسیکه» (نک. همان، ص ۳۱۶). در تلفظ امروزی، گروه‌های ربطی بالا یک تکیه، یک درنگ و یک معنای خاص دارند و از معیارهای یک واژه بودن نیز برخوردارند (نک. مشکوة‌الدینی ۲، ص ۵۱)؛ بنابراین، حرف ربط «که» و حرف اضافه در این گروه‌های ربطی کارکرد و معنای خاص درون‌واژه‌ای دارند و باید با نیم‌فاصله نوشته شوند. میلانیان سرهم‌نویسی این گونه ترکیبات را بهتر دانسته است (نک. میلانیان، ص ۸۳). از برخی حروف ربط، به‌علاوه «اینکه» یا «آنکه»، نیز حروف ربط مرکب ساخته می‌شود، مانند «مگراین‌که»، «مگرآن‌که»؛ همچنین، از دو حرف ربط، مانند «چون‌که، اگرهم، حتی‌اگر» (نک. فرشیدورد، ص ۵۵۱-۵۵۲). این حروف ربط مرکب نیز یک واژه با یک تکیه، یک درنگ و یک معنای خاص هستند و با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. البته پیوسته‌نویسی حرف ربط «که» در برخی از این نمونه‌ها زیباتر است. از «و» و حروف ربط دیگر، مانند «وگرنه»، و از فعل و «اینکه» نیز حروف ربط مرکب ساخته می‌شود (مانند «گواين‌که») (نک. همان، ص ۵۵۲) که همه با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند.

نتیجه‌گیری

نیم‌فاصله نویسهٔ فتنی و نگارشی نسبتاً تازه و کارآمدی است که شناخت و رعایت درست آن به درست‌نویسی، زیبانویسی، درست‌خوانی، درست‌فهمی و آموزش بهتر زبان فارسی کمک می‌کند. در منابع نگارشی فارسی، از نیم‌فاصله کمتر یاد شده و بیشتر گزاره‌های «جدا» و «جدانویسی» را به جای آن به کار گرفته‌اند که باعث یکی انگاشتن آن با فاصله شده است و باید اصلاح شود. در برخی منابع نیز نیم‌فاصله مدّ نظر این تحقیق با نام‌های «عدم فاصله» و «بی‌فاصله» آمده است که با عنوان رایج و کاربرد عمومی نیم‌فاصله همخوانی ندارد. نیم‌فاصله در انواع کلمات فارسی کاربرد دارد که کاربردش در دو نوع صفت و اسم بسیار، در نوع حرف زیاد و در انواع فعل، قید، ضمیر و صوت کم است. تدوین شیوه‌نامه‌ای یکسان و دقیق برای چگونگی نوشتن نیم‌فاصله، با استناد به مراجعی چون رسم‌الخَط گذشتهٔ زبان فارسی، منابع معتبر دستوری و نگارشی، گفتار سخنگویان زبان و رعایت

دقیق و درست آن، بی‌سامانی را در جنبه‌هایی از نگارش فارسی، اعم از نگارش کتاب، مقاله، پایان‌نامه، روزنامه، نامه، خبر و دیگر نوشته‌ها، از بین می‌برد، نویسندگان را از سردرگمی رها می‌کند و نیازی بنیادین را در بخشی از نگارش فارسی امروز برآورده می‌سازد. نیم‌فاصله در گونه‌های بسیط انواع کلمات فارسی کاربرد کمی دارد و بیشتر در کلمات غیربسیط، به‌ویژه کلمات مرکب، به کار می‌آید. افزون بر کمک گرفتن از مراجع یادشده، معیارهای آوایی، واژگانی، معنایی و کاربردی نیز در حروف‌نگاری درست نیم‌فاصله مؤثر است، از جمله، داشتن یک تکیه و یک درنگ، رعایت هم‌نشینی مجاز آواها، دلالت بر یک معنا، ایفای یک نقش دستوری، کاربرد مستقل در جمله و یکپارچگی ساختار و روی‌هم‌رفته یک واحد واژگانی بودن کلمه.

منابع

- احمدی گیوی، حسن، ادب و نگارش، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ چهارم، تهران ۱۳۶۳.
- احمدی گیوی، حسن و دیگران، زبان و نگارش فارسی، سمت، چاپ بیست و یکم، تهران ۱۳۸۲.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی، دستور زبان فارسی ۲، فاطمی، چاپ ششم، تهران ۱۳۸۹.
- باطنی، محمدرضا، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران ۱۳۷۶.
- تابش، یحیی و دیگران، پروژه استاندارد خط فارسی در یونی‌کد، شورای عالی انفورماتیک و دانشگاه صنعتی شریف، تهران ۱۳۷۹.
- حق‌شناس، علی‌محمد، آواشناسی، آگاه، چاپ هشتم، تهران ۱۳۸۲.
- خیامپور، عبدالرسول، دستور زبان فارسی، کتابفروشی تهران، چاپ نهم، تهران ۱۳۷۳.
- ستایش، حسن، «نیم‌فاصله و نقش آن در نگارش کلمات مرکب»، فصل‌نامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، س ۳، ش ۴ (پیاپی ۱۰)، زمستان ۱۳۸۹، ص ۲۴۵-۲۶۰.
- شریعت، محمدجواد، دستور زبان فارسی، اساطیر، چاپ پنجم، تهران ۱۳۷۱.
- شعبانی، بهرام، «نقدی بر کتاب دستور زبان فارسی ۲، تألیف حسن انوری و حسن احمدی گیوی»، ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان (دستور)، ش ۱۴، زمستان ۱۳۹۷، ص ۲۲۳-۲۴۹.
- شقاقی، ویدا، مبانی صرف، سمت، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۹.
- صادقی، علی‌اشرف و زهرا زندی‌مقدم، فرهنگ املائی خط فارسی بر اساس دستور خط فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار)، چاپ هفتم، تهران ۱۳۹۴.
- طباطبایی، علاء‌الدین (۱)، «پیشوندهای زبان فارسی امروز (۱)»، نامه فرهنگستان، س ۱۴، ش ۱ (مسلسل ۵۳)، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۲۷-۱۳۷.
- _____ (۲)، «پیشوندهای زبان فارسی امروز (۲)»، نامه فرهنگستان، س ۱۴، ش ۴ (مسلسل ۵۶)، تابستان ۱۳۹۴، ص ۲۳۱-۲۴۳.

- _____ (۳)، «پیشوندهای زبان فارسی امروز (۳)»، نامه فرهنگستان، س ۱۵، ش ۲ (مسلسل ۵۸)، زمستان ۱۳۹۴، ص ۲۰۷-۲۲۲.
- _____ (۴)، ترکیب در زبان فارسی، کتاب بهار، چاپ دوم، تهران ۱۳۹۸.
- فرشیدورد، خسرو، دستور مفصل امروز، سخن، چاپ اول، تهران ۱۳۸۲.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱)، دستور خط فارسی، نشر آثار، چاپ سیزدهم، تهران ۱۳۹۴.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۲)، دستور خط فارسی (ویراست جدید)، نشر آثار، چاپ اول، تهران ۱۴۰۱.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران، دستور زبان فارسی (پنج‌استاد)، جهان دانش، چاپ یازدهم، تهران ۱۳۷۳.
- کابلی، ایرج، درست‌نویسی خط فارسی، نشر بازتاب‌نگار، چاپ اول، تهران ۱۳۸۴.
- کمیسیون فنی استاندارد کامپیوتر، استاندارد کد تبادل اطلاعات ۸ بیتی فارسی، مؤسسه استاندارد تحقیقات صنعتی ایران، چاپ اول، تهران ۱۳۷۱.
- مایل هروی، نجیب، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۸۰.
- مشکوٰۃ‌الدینی، مهدی (۱)، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، دانشگاه فردوسی، چاپ اول، مشهد ۱۳۷۹.
- _____ (۲)، ساخت آوایی زبان، دانشگاه فردوسی، چاپ چهارم، مشهد ۱۳۷۷.
- میلانیان، هرمز، «کلمه و مرزهای آن در زبان و خط فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۱۸، ش ۳ (پیاپی ۷۷)، اسفند ۱۳۵۰، ص ۶۷-۸۴.
- ناتل خانلری، پرویز، دستور زبان فارسی، توس، چاپ یازدهم، تهران ۱۳۷۰.
- همایون‌فرخ، عبدالرحیم، دستور جامع زبان فارسی، به کوشش رکن‌الدین همایون‌فرخ، مؤسسه مطبوعاتی علمی، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۴.
- یاحقی، محمدجعفر و محمد مهدی ناصح، راهنمای نگارش و ویرایش، به‌نشر، چاپ بیست و چهارم، مشهد ۱۳۸۵.
- یوتایپ، «موارد استفاده از نیم‌فاصله در نگارش و تایپ فارسی و روش صحیح درج نیم‌فاصله در همه نرم‌افزارها»، یوتایپ ۱۳۸۹.

